



نصب قیم

دفتر وکالت دادگران حلی www.dadgaran.com

قیم کیست و شرایط انتصاب آن چگونه است؟

قیم در لغت به معنای متولی، سرپرست و کسی است که متولی امر شخص محجور محسوب می شود.

قیم در لغت به ZWNJ&معنای متولی، سرپرست و کسی است که متولی امر شخص محجور محسوب می ZWNJ&شود. برای معرفی قیم و بررسی شرایط انتصاب آن، لازم است ابتدا با محجورین در حقوق ایران و تعاریف ولی قهری و وصی آشنا شویم و سپس به بررسی مفهوم قیم، انتصاب و شرایط آن طبق قانون بپردازیم. باید این نکته را به ZWNJ&خاطر سپرد که از منظر حقوقی، اصولا انسان ZWNJ&ها از حق بهره ZWNJ&مندی از حقوق قانونی برخوردار هستند. به ZWNJ&عبارت دیگر، تمامی انسان ZWNJ&ها اعم از کودک و بزرگ ZWNJ&سال از یک سری حقوق از جمله حق مالکیت برخوردار هستند، ولی ممکن است برخی از آنها به ZWNJ&دلایل خاصی، امکان کسب این حقوق را نداشته و ناگزیر باشند برای این کار از شخص دیگری به ZWNJ&عنوان نماینده استفاده کنند.

به گزارش laquo&تابناک raquo&; به مورد نخست، یعنی حق بهره ZWNJ&مندی از حقوق گوناگون، اهلیت تمتع و به مورد دوم یعنی اعمال و استیفای این حقوق، اهلیت استیفا گفته می ZWNJ&شود. بنابراین محجورین اشخاصی هستند که از اهلیت تمتع برخوردارند، ولی اهلیت استیفا ندارند. برای نمونه، یک کودک می ZWNJ&تواند مالک یک خانه شود (بدین شکل که مثلا پدرش خانه ZWNJ&ای را به نامش بزند) ولی همین کودک نمی ZWNJ&تواند خانه را بفروشد و این کار تنها از طریق پدر یا سایر اشخاصی که قانون تعیین کرده امکان ZWNJ&پذیر است.

به ZWNJ&همین ZWNJ&دلیل گفته می ZWNJ&شود که کودکان (یا صغار) در زمره ZWNJ&ی محجورین هستند. سفیه و مجنون نیز از دیگر محجورین هستند. سفیه کسی است که دخل و تصرفاتش در امور مالی، عقلانی نیست. هر چند عملکرد این شخص در خصوص امور غیرمالی صحیح بوده و مورد تأیید قانون ZWNJ&گذار است. به ZWNJ&همین ZWNJ&دلیل، فرد سفیه می ZWNJ&تواند شخصی را برای ازدواج انتخاب و با او عقد نکاح منعقد کند، ولی تعیین مهریه در نکاح از جمله امور مالی است که سفیه نمی ZWNJ&تواند آن را انجام دهد و لازم است در این خصوص، نمایندگان قانونی او (اعم از ولی قهری یعنی پدر یا قیم) وارد عمل شوند.

حال که محجورین را شناختیم، نوبت به معرفی قیم می ZWNJ&رسد:

تعریف قیم

قیم به کسی گفته می ZWNJ&شود که سرپرست و عهده ZWNJ&دار امور طفل یتیم و متولی امر شخص محجور است. قیم زمانی برای محجور منصوب می ZWNJ&شود که این شخص، ولی قهری یا وصی نداشته باشد. اصولا پسران تا ۱۵ سالگی و دختران تا ۹ سالگی، کودک (صغیر) فرض شده و حق هیچ ZWNJ&گونه دخل و تصرف در امور خود اعم از مادی و غیرمادی را ندارند.

همچنین، افراد اصولا تا ۱۸ سالگی، سفیه محسوب می ZWNJ&شوند و تا رسیدن به این سن، نمی ZWNJ&توانند در امور مالی خود تصرف کنند. به همین دلیل پدر یا پدر پدر (جد پدری) تا پایان دوران صغر (یعنی ۹ سال در دختران و ۱۵ سال در پسران) در امور مالی و غیرمالی و نیز تا پایان دوران سَفَه (یعنی ۱۸ سال برای تمامی افراد) در امور مالی، عهده ZWNJ&دار امور فرزندان هستند و می ZWNJ&توانند هرگونه دخل و تصرفی که به مصلحت آنهاست انجام دهند. به پدر و جد پدری، ولی قهری گفته می ZWNJ&شود. حال اگر ولی قهری پیش از سنین ذکرشده فوت شود، می ZWNJ&تواند شخصی را به ZWNJ&عنوان وصی جایگزین خود کند. در این صورت، وصی، بعد از مرگ ولی قهری می ZWNJ&تواند عمدتا تمامی وظایف او را انجام دهد.

تبلیغات

انتصاب قیم

حال اگر محجور دارای ولی قهری یا وصی نباشد، دادگاه شخصی را به ZWNJ&عنوان قیم انتخاب می ZWNJ&کند که در غیاب اشخاص ذکرشده، عهده ZWNJ&دار اداره ZWNJ&ی امور محجور است. بنابراین باید توجه شود که میان ولی، وصی و

قیم سلسله‌ای ZWNJ؛ مراتب وجود دارد؛ بدین شکل، تا زمانی ZWNJ؛ که محجور دارای ولی قهری است، نوبت به وصی و قیم نمی ZWNJ؛ رسد. همچنین در غیاب ولی قهری تا زمانی که محجور، وصی دارد، قیم برای او تعیین نمی ZWNJ؛ شود.

از طرف دیگر ممکن است شخصی پس از رسیدن به ۱۸ سالگی از حجر خارج شده و خود عهده ZWNJ؛ دار امور مالی و غیرمالی خود بشود، اما چندی بعد در ۲۲ سالگی به ZWNJ؛ دلیل عارضه ZWNJ؛ ای، دچار جنون شده و مجدداً در زمره ZWNJ؛ محجورین قرار بگیرد. در اینجا چون دوران ولایت ولی قهری پایان یافته و این شخص وصی هم ندارد، دادگاه برای او قیم تعیین می ZWNJ؛ کند.

به نوشته laquo؛ بطور raquo؛ نصب قیم به حکم مستقیم قانون نیست، بلکه در صورت فقدان ولی خاص (اعم از ولی قهری و وصی) تحت شرایطی از طرف دادگاه منصوب می ZWNJ؛ شود. در واقع قیم شخصی است که از سوی دادگاه و به ZWNJ؛ درخواست دادستان برای حمایت از محجور که شامل مراقبت و نگهداری و اداره ZWNJ؛ ای اموال وی است، تعیین و منصوب می ZWNJ؛ گردد تا پس از نصب در امر قیمومیت، عهده ZWNJ؛ دار وظایف و تکالیفی باشد که از طرف قانون بر عهده ZWNJ؛ وی نهاده شده است. لازم به ذکر است تخطی یا کوتاهی در انجام تکالیف و وظایف، مسئولیت ZWNJ؛ های سنگین قانونی را به ZWNJ؛ دنبال خواهد داشت.

شرایط قیم در قانون

یکی از شرایط مهم قیمومیت، داشتن توانایی و قدرت لازم است که می ZWNJ؛ تواند به ZWNJ؛ عنوان اوصاف مثبت وی تلقی گردد و با توجه به لزوم شایستگی و توانایی و قدرت انجام عمل حقوقی و مدیریت صحیح جهت حفظ اموال محجور این شرط در قیم اساسی است. قیم باید در تربیت و اصطلاح حال محجور سعی و تلاش کند و در امور او، رعایت مصلحت را مدنظر داشته باشد.

لزوم داشتن توانایی و قدرت تشخیص مصلحت از مفسده در قیم حائز اهمیت است. البته منظور از توانایی قدرت جسمانی و فیزیکی نیست، بلکه قدرت انجام اعمال حقوقی با درایت و اداره ZWNJ؛ امور زندگی محجور است.

دومین وصف و شرط مثبت در قیم امانت ZWNJ؛ داری است. چنانچه طبق قانون به محضی که عدم امانت ZWNJ؛ داری قیم ثابت شود، او از این سمت عزل می ZWNJ؛ شود.

سومین صفت مثبت قیم این است که بالغ و رشید باشد. افرادی که خود محتاج به قیم هستند، نمی ZWNJ؛ توانند به سیمت قیمومیت منصوب گردند.

چهارمین وصف و شرایط قیم مسلمان است. در حقوق اسلام ولایت کافر بر مسلم پذیرفته ZWNJ؛ نشده است. بنابراین هرگاه شخص محجور مسلمان باشد، نمی ZWNJ؛ توان قیمی غیرمسلمان برای او تعیین کرد.

قانون مدنی در خصوص مورد آخر مقرر ZWNJ؛ ای خاصی آن ندارد. ولی با توجه به قواعد عمومی و این موضوع که غیرمسلمانان نمی ZWNJ؛ توانند بر مسلمانان ولایت داشته باشند و قیمومیت نیز نوعی ولایت محسوب می ZWNJ؛ شود، می ZWNJ؛ توان به این مورد پی ZWNJ؛ برد.

اوصاف منفی

ماده ZWNJ؛ ی ۱۲۳۱ قانون مدنی اوصاف منفی قیم را که با داشتن این اوصاف نمی ZWNJ؛ تواند به سمت قیمومیت منصوب گردد، بر شمرده است. نظر قانون ZWNJ؛ گذار بر این بوده که چنین اشخاصی اصولاً فاقد ویژگی امانت ZWNJ؛ داری بوده و از باب احتیاط نباید امور محجور به ZWNJ؛ ویژه امر مالی را به آنها واگذار کرد.

کسانی که به ZWNJ؛ علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه ZWNJ؛ های (جرم ها) زیر به ZWNJ؛ موجب حکم قطعی محکوم شده باشد؛ سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری، اختلاس، هتک ناموس یا منافات عفت، جنحه نسبت به اطفال، ورشکستگی به تقصیر.

کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آنها تسویه نشده است، کسانی که معروف به فساد اخلاق باشند.

کسی که خود یا اقربای طبقه و بی اول او دعوایی بر محجور داشته باشد.

کسانی که معروف به فساد اخلاق هستند، از تصدی قیمومیت ممنوع و اند؛ اگرچه حکمی بر فساد اخلاق آنها از یک مرجع قضایی صادر نشده باشد. البته تشخیص شهرت به فساد اخلاق با دادگاه صالح برای نصب قیم است.

بنابراین قیم نباید دارای محکومیت کیفری برای جرایم مندرج در ماده و بی فوق باشد، زیرا کسی که به اتهام سرقت تحت تعقیب است یا مرتکب جرم کلاه و برداری گردیده، به احتمال زیاد قیم دارای صلاحیت و شایستگی لازم نیست.